

ذره بین

مرگ در عمق چاه

[شهرودن] کارگر جوان هنگام تعمیر کار ساختمانی در اصفهان جان باخت. در پی تماس تلفنی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اصفهان مبنی بر وقوع حادثه مرگ در یکی از مناطق شهر اصفهان، نیروهای امدادی برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند. با حضور مأموران در محل و بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد دو جوان ۳۲ و ۳۴ ساله هنگام تعمیر یک خانه قدیمی به داخل چاه عمیق سقوط کردند که در این حادثه مرد ۳۴ ساله به دلیل ریزش خاک داخل چاه در دم فوت کرد.

فرد دیگری که در این حادثه دچار مصدومیت شده بود با همکاری عوامل آتش‌نشانی از چاه بیرون کشیده شد. پلیس از شهروندان خواست هنگام کار ساختمانی جوانب احتیاط را به کار ببندند و نکات ایمنی را رعایت کنند تا با حوادثی از این دست روبه‌رو نشویم. □

دستگیری راننده اینترنتی در اراک

[شهرودن] راننده اینترنتی که زن جوان را به دلیل پرداخت کرایه اینترنتی مورد ضرب و شتم قرار داده بود از سوی پلیس اراک دستگیر شد. با انتشار کلیپی از ضرب و شتم یک بانوی اراکی توسط راننده خودروی اسنپ در یکی از خیابان‌های شهر اراک، بلافاصله بررسی موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت.

بلافاصله با اقدامات تخصصی کارشناسان پلیس فتا، این شخص شناسایی و با هماهنگی انجام شده با مرجع قضائی، در عملیات پلیس شهرستان دستگیر شد. فرد دستگیر شده در بازجویی‌های انجام شده ضمن اعتراف به جرم خود مدعی شد که به علت پرداخت اینترنتی پول کرایه از سوی این خانم و پرداخت نکردن کرایه به صورت پول نقد مرتکب این رفتار ناپهناجر شده است. خودروی متهم دستگیر شده توقیف و به پارکینگ انتقال داده و راننده خاطی نیز برای برخورد قانونی به مرجع قضائی معرفی شد. □

نشانی اشتباه جان یک رهگذر را گرفت

[شهرودن] در یک درگیری که به دلیل دادن نشانی اشتباه در شیراز رخ داده بود، یک نفر جان باخت. بعد از اعلام وقوع درگیری در خیابان باهنر جنوبی، مأموران پلیس ۱۱۰ به محل اعزام و متوجه شدند که دو راکب یک موتورسیکلت که بنزین تمام کرده بودند، از یک رهگذر نشانی جایگاه سوخت را سوال می‌کنند اما بعد از مراجعه به جایگاه مورد نظر متوجه می‌شوند که پمپ گاز است. در همین حین راکبان موتورسیکلت، فردی را که نشانی اشتباه داده بود رویت می‌کنند و با او درگیری می‌شوند. عابر پیاده یکی از راکبان را با چاقو ۴۶ ضربه می‌کند. مضروب ۴۶ ساله به دلیل شدت جراحات وارده از ناحیه گردن فوت کرد. تلاش برای دستگیری قاتل متواری کماکان ادامه دارد. □

کلاهبرداری میلیاردری با چک‌های بی‌محل

[شهرودن] متهمی که با صدور چک‌های بی‌محل و جعلی ۵۰۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بود، در سردشت دستگیر شد. در پی دریافت شکایت‌های متعدد از شهروندان و بازاریان سردشت درباره کلاهبرداری فردی از آنان، پیگیری موضوع در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت.

در بررسی‌ها مشخص شد که این فرد با جلوه‌دادن خود به‌عنوان شخصی معتبر در امر صادرات، اقدام به خرید عمده کالا از جمله آهن، میلگرد، ورق ام‌دی‌اف، کتاف، سنگ‌های زینتی، کاشی و سرامیک کرده و چک‌های نامعتبر به میزان ۵۰۰ میلیارد ریال به این افراد داده است. مأموران پلیس آگاهی در تعقیب و پایش اطلاعاتی، متهم مورد نظر را در محل اختفای او در این شهرستان دستگیر کردند. این فرد در بازجویی‌ها به جرم کلاهبرداری اعتراف کرد و سپس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی تحویل شد. کلاهبرداری با چک‌های جعلی، فاقد اصالت و بلامحل از متداول‌ترین روش‌های کلاهبرداری است. از دریافت چک‌هایی که صادرکننده آن ناشناس است خودداری و در معامله با چک از بانک مربوطه، کامل بودن مشخصات، موجودی و اصالت چک را استعلام کنند. □

خبرگزاری مهر



نگاهی به زخمی‌هایی که چهارشنبه آخر سال برایشان تاوان سنگینی داشت

آنهايي که سوختند

[شهرودن] امشب، شبی است که به رسم دیرینه کشورمان باید جشن بگیریم. شبی که به سنت هر ساله مردم آخرین چهارشنبه سال را با آتش بازی جشن می‌گیرند. اما این آتش بازی‌ها گاهی به بهای سنگینی تمام می‌شود. به بهای سوختن، به بهای نقص عضو و حتی به بهای جان؛ برای خیلی از خانواده‌ها این شب شادی، به جای جشن به عزت‌تبدیل می‌شود. کم نبودند آنهایی که این سنت را به میدان جنگ تبدیل و با آتش و انفجار زندگی خود و حتی بقیه را نابود کردند. سوختند، پایشان به بیمارستان‌ها باز شد، دردکشیدند و حتی بعضی‌هایشان تا آخرین ناصق شدند. آنهایی که تازه بعد از آن همه عذاب و درد متوجه اشتباه خود شدند و حالا از هر مواد محترقه‌ای و اهمه دارند. آنهایی که صدای یک ترقه کوچک هم تن و بدن‌شان را می‌لرزاند. بردیا یکی از همان مصدومان است که شب چهارشنبه آخر سال به صورت معجزه‌آسایی دستش را از دست نداد. فقط چند ثانیه تا قطع دستش فاصله داشت که برای همیشه معطل شود. اما این پسر بیست‌ساله خوش‌شانس بود و دست‌آستش قطع نشد. با این حال دو سال پیش او روزها و شب‌های سخت و دردناکی را روی تخت بیمارستان تجربه کرد: «دو روز به چهارشنبه‌سوری مانده بود. از آنجا که با اکلیل سرنج برای خودم نازنچک ساخته بودم، می‌خواستم آن را امتحان کنم. می‌خواستم ببینم سدابیش چقدر است. اولی را پرتاب کردم و وقتی می‌خواستم دومی را هم پرتاب کنم، ناگهان در دستانه منفجر شد و دیگر چیزی به یاد ندارم.» بعد از این انفجار بردیا راهی بیمارستان شد. اما سوختگی او یک سوختگی معمولی نبود. دستان بردیا تا نزدیک قطع شدن پیش رفت. هفت بار به اتاق عمل جراحی رفت و دستش بارها و بارها زیر تیغ جراحان قرار گرفت. بیش از دو ماهه در بیمارستان بستری بود. تا اینکه در نهایت بدون اینکه دستش قطع شود، از بیمارستان ترخیص شد. با این حال تا ماه‌ها حرکت انگشتان دستش مشکل داشت و بردیا تحت درمان بود. «سال‌ها بود که نازنچک تهیه می‌کردم. اما از وقتی این حادثه برپا شد، دیگر از روی نازنچک و اکلیل سرنج هم وحشت دارم و بدم می‌آید. دیگر نمی‌خواهم به چهارشنبه‌سوری فکر کنم. من اشتباه کردم و تاوان این اشتباه را هم خیلی سخت‌دادم. این کار اول و آخرش ضرر است و بالاخره آدم را مصدوم می‌کند. همین‌که زنده‌ام یا بینایی‌ام را از دست ندادم یا دستم قطع نشد، خدا را شکر می‌کنم. چهارشنبه‌سوری یک رسم شیرین است که می‌شود آن را در کنار خانواده و بستگان جشن گرفت.» پسر بچه هفت ساله‌ای که چشمانش آسیب دیدگی دیگر از حادثه دیدگان حوادث چهارشنبه‌سوری است. کودکی که

ترقه را جلوی چشمانش گرفت و بعد از آن هم انفجاری جبران‌ناپذیر او را راهی بیمارستان کرد. مادر این کودک درباره اتفاقی که برای پسرش رخ داده بود، گفت: «به دلیل ترک‌زدن ترقه، چشمان پسرم از ناحیه سمت چپ دچار آسیب دیدگی و در بیمارستان قارایی بستری شد. ترقه درست جلوی چشمانش منفرجه شده بود. او در شهرک‌مان در شهید شجاعی اتوبان بسیج به دلیل کنج‌کوی در مورد اینکه ترقه چگونه منفرجه می‌شود، آن را جلوی چشمانش گرفته بود. اما ناگهان ترقه جلوی چشمانش منفرجه شد. خیلی وحشتناک بود. بلافاصله او را به بیمارستان بردیم. اما چشمش دچار پارگی شده بود.» علیرضای چهارده‌ساله هم یکی دیگر از همین مصدومان است. مصدومی که تمام عید را در بیمارستان بستری بود و در نهایت هم انگشتان دستانش را از دست داد. او هم دو سال اینچنین مصدوم شد تا هر چه عید و چهارشنبه‌سوری است برای او یادآور خاطرات تلخ شود: «هیچ‌وقت آن شب را فراموش نمی‌کنم. نه از چهارشنبه‌سوری چیزی فهمیدم. نه از ایام نوروز. همه عید و بعد از آن را در بیمارستان بودم. من هر سال اول اسفند اکلیل سرنج می‌خریدم و نازنچک درست می‌کردم. تقریباً سالی یک کیلو اکلیل سرنج می‌خریدم و برای خودم و دوستانم نازنچک درست می‌کردم. پارسال هم داشتم همین کار را می‌کردم که یک دفعه منفرجه شد. بعد از آن هم صورتم سوخت و بنده انگشت دست چپم قطع شد. از همه بدتر آن دردهای بود که کشیدم. دیگر هیچ‌وقت سراغ مواد محترقه نرفتم.» فرشید هم از یادآوری خاطره چهارشنبه‌سوری و اهمه دارد. پسر جوانی که هشت سال پیش چشم راستش را از دست داد. او هم جزو کسانی بود که نازنچک می‌ساخت و به این کار خود افتخار می‌کرد. با ساخت هر نازنچک غروری وصف‌ناشدنی به او دست می‌داد. اما همین نازنچک‌هایی که باعث افتخارش بودند، بلای جانش شدند. دیگر هیچ‌وقت از آن همه هیجان فرشید خبری نشد. فرشید دیگر هیچ‌وقت سراغ چهارشنبه‌سوری و آتش بازی نرفت: «همیشه از بچگی عاشق شب چهارشنبه‌سوری بودم. برای آن شب هیجان داشتم. از یک سنی به بعد خودم شروع کردم به ساخت نازنچک. از اینکه شجاع‌تم را به رخ دیگران می‌کشیدم، احساس غرور می‌کردم. تا اینکه یکی از همین نازنچک‌ها زندگی مرا نابود کرد. چشم راستم را از دست دادم. من ماندم و صورت سوخته و یک چشم از دست رفته. بعد از آن دیگر هیچ‌وقت نتوانستم حتی رنگ آتش را هم ببینم. شرم‌منده پدر و مادرم شدم، چون آنها هم همراه من سوختند و عذاب کشیدند. دیگر حتی سراغ مواد محترقه هم نرفتم و این فضا تلخ‌مراتبیه کرد.» □

سناریوی سیاه مردان آدم‌با برای سرقت ۴ کیلو طلا

[شهرودن] سارقان پس از ربودن مرد طلا فروش و به دست آوردن ریموت مغازه طلا فروشی اقدام به سرقت طلاها کردند و جسد مرد طلا فروش را پس از قتل در منطقه کهریزک دفن کردند. ساعت ۲ بعد از ظهر بیست و یکم اسفندماه سال جاری در تماسی تلفنی شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ باپایش مردی سی‌وشش ساله با خودروی «ون اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی» در محدوده خیابان نبرد به کلانتری ۱۳۲ نبرد اعلام شد. با تأیید خبر اولیه توسط مأموران کلانتری، پرونده‌ای با موضوع آدم‌ربایی تشکیل شد و برای رسیدگی تخصصی با دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران در اختیار کارآگاهان اداره ۱۱ معاونت مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. بلاوصول پرونده به اداره ۱۱ کارآگاهان بلافاصله راهی محل وقوع جرم شدند که در بررسی اولیه، تحقیقات میدانی و گفت‌وگو با شاهدان عینی مشخص شد سه مرد جوان حدوداً سی‌وپنج ساله با خودروی ون سفید با علائم مربوط به «اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور» به بهانه اینکه مرد طلا فروش مبتلا به ویروس کروناست، اقدام به ربودن مرد جوان سی‌وشش ساله به نام «محمود» از مقابل در خانه‌اش می‌کنند و در ادامه تحقیقات به دست آمده که او دارای مغازه طلا فروشی در همان محدوده است. کارآگاهان بلافاصله راهی مغازه طلا فروشی شدند که در همان لحظات اولیه تحقیقات پلیسی مشخص شد مغازه، مورد دستبرد سارقان قرار گرفته است که با بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته یکی از سارقان با استفاده از ریموت دزدگیر در راباز می‌کند، وارد مغازه می‌شود و همه طلاها را به سرقت می‌برد. با جمع‌بندی اطلاعات به دست آمده مشخص شد سرقت از مغازه طلا فروشی توسط همان آدم‌ربان اتفاق افتاده است. در شاخه دیگری از تحقیقات، شماره پلاک خودروی ون به دست آمده که در بررسی‌های بیشتر مشخص شد پلاک سرقتمی و متعلق به خودروی پراید است. کارآگاهان اداره ۱۱ با بهره‌گیری از روش‌های علمی کشف جرم موفق به شناسایی یکی از اعضای باند سرقت به نام «جابر سی‌وپنج ساله» شدند که با در اختیار گذاشتن تمامی اطلاعات به دست آمده به بازپرس پرونده دستور ویژه مبنی بر دستگیری جابر و سایر همدستانش با توجه به حساسیت پرونده صادر شد.

مکت

کلاهبرداری ۸۰۰ میلیونی با فروش خودروی چپی

[شهرودن] باند کلاهبرداران که با فروش خودروهای چپی و تصادفی به‌عنوان خودروی نو حدود یک میلیارد تومان به جیب زده بودند، به پایان خط رسیدند. دهم اسفندماه پرونده‌ای از سوی شعبه ششم بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۶ تهران با موضوع کلاهبرداری برای رسیدگی تخصصی و کشف موضوع به پایگاه هفتم پلیس آگاهی واصل شد.

شاکی با حضور در پایگاه هفتم پلیس آگاهی به کارآگاهان گفت: «سی‌ام بهمن ماه برای خرید یک خودروی ایتیمما از طریق فضای مجازی با مردی آشنا شدم و در میدان تره‌بار تهران قرار گذاشتیم. پس از حضور در محل قرار، خودرو را دیدم و فروشنده گفت که خودرو فاقد هر گونه تصادف است. چند نفر کارشناس نیز آنجا بودند و صحت اظهارات او را تأیید کردند.» شاکی در ادامه گفت: «با توجه به صحبت‌های کارشناسان حاضر و فروشنده خودرو به آنها اعتماد کردم و خودرو را خریدم. پس از گذشت چند روز متوجه چپی بودن خودرو شدم و شکایت خود را برای احقاق حق تعصیح شده‌ام به دادسرا بردم. کارآگاهان پس از اخذ دلایل و مستندات شاکی با انجام اقدامات پلیسی متوجه شدند فروشنده کارشناسانی که خودرو را به شاکی فروخته‌اند به صورت باندي در سایت‌های مجازی اقدام به خرید و فروش خودروهای تصادفی و چپی به‌عنوان خودروهای سالم می‌کنند.»

با ادله و مدارک به‌دست آمده کارآگاهان تیم مبارزه با جعل و کلاهبرداری پایگاه هفتم پلیس آگاهی طی قرار صوری به‌عنوان مشتری و خریدار برای خرید یک خودرو در تاریخ دوازدهم اسفند در محل میدان تره بار حاضر شدند و به محض حضور سه نفر متهم به اسامی محسن ۳۵ ساله، بابک ۴۰ ساله و جمشید ۲۹ ساله آنها را دستگیر کردند.

پس از دستگیری و انتقال متهمان به پایگاه هفتم پلیس آگاهی در بازجویی‌های صورت گرفته، متهم اصلی و سرکرده باند به نام محسن لب به اعتراف گشود و به تعداد هفت کلاهبرداری و اغفال شهروندان از طریق فروش خودروهای چپی در سایت‌های مجازی اقرار کرد.

محسن در اظهارات خود گفت: «مکانیک و صافکار خودرو هستم. یک روز بابک که از دوستانم هست به من مراجعه کرد و گفت می‌خواهد خودروی سراتو خود را بفروشد. با توجه به اینکه در خودروی بابک آثار تصادف بود آن را برایش از نظر ظاهری درست کردم و به او پیشنهاد دادم خودرو را به‌عنوان خودروی سالم بفروشد و با توجه به اینکه پول خوبی از این راه به دست آوردم به ذهن‌مان خطور کرد که خودروهای چپی و تصادفی را خریده و پس از بازسازی به‌عنوان خودروی سالم بفروشیم و در این کار از جمشید که از دوستان مشترک‌مان بود نیز کمک گرفتیم.»

رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی با اعلام این خبر گفت: «ارزش ریالی که این باند کلاهبرداری از این طریق به دست آورده‌اند بیش از ۸ میلیارد ریال است که با اطلاع‌رسانی‌های انجام شده شکات شناسایی شدند و با تکمیل پرونده متهمان با دستور مقام قضائی و صدور قرار وثیقه روانه زندان شدند.» □

حمله مسلحانه مردان ناشناس

[شهرودن] سرجوانی در حمله مسلحانه افراد ناشناس در محله شهرک توچید بانه به ضرب گلوله کشته شد. این حادثه ساعت پایانی شامگاه یکشنبه در مقابل در خانه مقتول رخ داد. هنوز هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد چگونگی وقوع این حادثه و علت آن در دست نیست، ولی تحقیقات پلیس در این باره آغاز شده است. پلیس درصدد شناسایی ضارب یا ضاربان است که بلافاصله از محل جرم متواری شدند. برخی افراد محلی و منابع غیررسمی می‌گویند هدف حمله‌کنندگان، پدر مقتول بوده که از افراد سرشناس و معروف در شهر بانه است ولی به مقصود خود نرسیده و پسرش را هدف قرار داده‌اند. شهرستان مرزی بانه با ۱۵۸ هزار نفر جمعیت در ۲۷۰ کیلومتری غرب سنندج مرکز استان کردستان واقع شده است. □